



سخن ماه: مبارزه با افزایش جمعیت مبارزه با عظمت یک ملت است

فلسفه و کلام :: نشریه درسهایی از مکتب اسلام :: آذر ۱۳۹۱، سال نهم - شماره ۱
از ۳ تاه آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/۸۹۳۵۸>

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین](#) و [مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور



مبارزه با افزایش جمعیت مبارزه با عظمت يك ملت است

ازدواج کنید تا فرزندان شما زیاد شوند
من به فزونی جمعیت شما در میان ملتها
مباهات میکنم!
« پیغمبر اکرم (ص) »

مبارزه با قرص ضد بارداری در فرانسه
پرزیدنت دوگل مبارزه وسیعی را برای جلوگیری از
مصرف « قرصهای ضد حاملگی » شروع کرده تا مادران را راضی
کند که « فرزندان بیشتری » داشته باشند . البته این مبارزه
درست موقعی شروع شده که توجه زنان فرانسوی به طرف این
قرصها جلب شده بود .

ژنرال دوگل میخواهد زاده و ولد در فرانسه زیاد شود
و ممکن است بزودی اعلام کند که خانواده های بزرگ از مزایای
بیشتر مالیاتی ، مدرسه ، و خانه برخوردار گردند .

کیهان ۲۵/۷/۴۶

* * *

گرچه قبول این نکته بدو مشکل بنظر میرسد که انسان علاوه بر تقلید ، در حرکات
و رفتار ظاهری خود ، در حالات و کیفیات درونی نیز تقلید کند ، و مثلاً به تقلید دیگران واقفاً
دچار ترس و دلهره ، و یا خوشحالی و مسرت گردد !

ولی با مطالعه حال بسیاری از غرب زده های مامی بینیم این موضوع چندان هم جای تعجب
نیست . موضوع « ترس از افزایش جمعیت » آنهم يك « ترس تقلیدی » ! که اخیراً
در اجتماعات ما يك صورت کاملاً جدی بخود گرفته است از این نمونه میباشد .

این ترس تقلیدی از افزایش جمعیت، و اینکه ممکن است در آینده جمعیت کشورهای بقدری زیاد شوند که نه تنها مواد غذایی روی زمین جوابگوی احتیاجات آنها نباشد، بلکه جاومکان کافی نیز برای زندگی آنها پیدا نشود و مجبور باشند از سرودوش هم بالا روند؛ و بدنبال این ترس، مسئله طرق پیشگیری از ازدیاد جمعیت مطرح گردیده و بازار داغی برای فروش وسائل پیشگیری بوجود آمده است.

البته در کنار این موضوع، یعنی وحشت از ازدیاد جمعیت، موضوعات دیگری نیز وجود دارد که شاید تا تیر آنها در مسئله کنترل جمعیت کمتر از آن نباشد، بلکه در بعضی از موارد نقش اصلی را بازی میکنند و آن توجه زیاد به احتیهای فردی و کسب آزادی بیشتر برای استفاده از لذات زندگی و فراموش کردن مصالح اجتماع میباشد، زیرا پدیدهی است کثرت فرزندان يك خانواده، به اینگونه آزادبها و راحتبها لطمه میزند.

با اینکه از طرف پزشکان جهان بارها اعلام شده است که استفاده از غالب وسائل پیشگیری (مخصوصاً برای يك مدت طولانی) سلامت بانوان و در بسیاری از موارد فرزندان، و گاهی هر دو را بخطر میاندازد، و آثار شومی از نظر روانی در مرد و زن میگذارد. و در بسیاری از موارد نتیجه آن بوجود آمدن فرزندان ناقص الخلقه ای خواهد شد.

ولی متأسفانه علی رغم این اعلام خطرها روز بروز استفاده از وسائل پیشگیری از فرزند توسعه پیدا میکند، مخصوصاً خانواده های فرنگی مآب و زنانی که زندگی را تنها از دریچه لذت و خوشگذرانی بی حساب و بی بندوبار مینگردند و آخرین هدف آنها در زندگی استفاده هر چه بیشتر از مجالس شب نشینی، قمار، «کاباره ها» و «دانسینگها» و امثال آنست، رغبت فوق العاده ای باین مسئله نشان میدهند، و موضوع بارداری برای آنها يك «بلا» و نخستین روزی که از آن اطلاع مییابند روز «عزا» محسوب میشود، البته برای اینگونه افراد، نه اجتماع مفهومی دارد و نه عظمت و استقلال يك کشور و ما را هم با چنان افرادی کاری نیست.

همچنین ما کاری به جنبه های «بهداشتی و طبیی» این مسئله نداریم بلکه میخواهیم تنها از نظر اجتماعی و انسانی مسئله افزایش جمعیت و مشکلات آن را مورد بررسی قرار دهیم، در اینجا توجه به دو نکته کاملاً لازم است.

نخست اینکه: چرا عده ای از ما عادت کرده ایم که: همیشه در مبارزه با حوادث راههای منفی را انتخاب کنیم و هرگز فکراه مثبت نمی افیم؟ و میخواهیم همیشه طبق نسخه آن حکیم! که به او گفتند: «حریر گران است، گفت ما ارزان کنیم: نخریم و نهوشیم! عمل نمائیم؟ چرا ما بجای اینکه از افزایش جمعیت که سرچشمه هر گونه پیشرفت و ترقی میتواند باشد جلوگیری کنیم به فکر بالا بردن «سطح تولید» و افزایش وسائل مختلف زندگی: آذوقه، دارو

مدرسه و مسکن نمی‌افتیم ؟

چرا برای ارزان کردن حریر، بجای نخریدن و نهوشیدن (طبق نسخه آن حکیم!) سعی نمیکنیم از راه ایجاد کارخانه‌های متعدد حریر، حریر را ارزان کنیم ؟

خوشبختانه مواد غذایی و منابع موجود در خشکیها و چندین برابر آن منابع موجود در دریاها (که همه آن جز در موارد کمی تقریباً به صورت دست نخورده باقیمانده است) به کره زمین ما امکان میدهد که دهها برابر جمعیت کنونی را در خود نگاهداری کند. مخصوصاً در مورد کشور ما آنقدر امکانات برای ازدیاد جمعیت وجود دارد که حد و حصری برای آن نیست، تنها يك چیز میخواهد: عمت و اراده و تصمیم، و جانشین ساختن طرز تفکر مثبت بجای طرز تفکر منفی کنونی: طبق آماري که اخیراً از طرف مقامات مسئول وزارت آب و برق انتشار یافت زمینهای کشور ما باهمین آبهای موجود بخوبی میتواند ۵۰ میلیون نفر را غذا دهد و طبق آماري که از طرف کارشناسان صلاحیت دار مواد غذایی انتشار یافت منابع غذایی کره زمین قدرت دارند جواب گوی احتیاجات هفتده میلییارد نفر (یعنی بیش از پنج برابر جمعیت فعلی) باشد (۱) و مسلماً با پیشرفت صنایع، تکنیکهای تازه ای کشف خواهد شد که به استفاده هر چه بیشتر از این منابع غذایی موجود زمین کمک خواهد کرد و افاق وسیعتری با امکانات تازه در پیش روی جهانیان خواهد گشود. با این حال روشن است که ترس تقلیدی مزبور، مخصوصاً در مورد ممالکی مانند مملکت ما، بسیار بی مورد میباشد.

ثانیاً - آیامیدانید همیشه، و مخصوصاً در دنیای امروز، پیروزی و قدرت و عظمت، مال کشورهای است که جمعیت بیشتری را در خود پرورش میدهند ؟

ما کار به کشور «روسیه شوروی» و «ایالات متحده آمریکا» که بترتیب سومین و چهارمین کشور پر جمعیت روی زمین هستند نداریم، بلکه کشور «چین کمونیست» را که یک کشور نسبتاً فقیر آسپائی است و از نظر سیاسی و اقتصادی در محاصره و انزوای خاصی قرار گرفته است مثال میآوریم :

این کشور که پر جمعیت ترین ممالک روی زمین است بدون شک یکی از نیر و مندترین ممالک دنیاست که همه دولتهای بزرگ و زورمند روی آن حساب میکنند و از قدرت او وحشت دارند ! . این قدرت چشم گیر در درجه اول مرهون جمعیت انبوه آن کشور است، زیراها ما نظیر که اشاره شد این کشور در ردیف کشورهای پیشرفته از نظر اقتصادی و صنعتی نبوده و نیست، ولی از برکت همان جمعیت انبوه به پیروزیهای قابل ملاحظه ای در تمام زمینه های علمی و صنعتی و سیاسی نائل آمده (بقیه در صفحه ۱۰)



انضباط اسلامی

۱ - بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ - یٰ اَیُّهَا الَّذِیْنَ آمَنُوا
لَا تَقْدِمُوا بَیْنَ یَدِی اللّٰهِ وَرَسُوْلِهِ وَاتَّقُوا اللّٰهَ اِنَّ اللّٰهَ سَمِیْعٌ عَلِیْمٌ

: ای افراد باایمان (درهیچ موردی) برخدا و رسول او سبقت

نگیرید و از مخالفت خدا پرهیزید خداوند شنوا و داناست .

هدف سوره تشریح یک سلسله دستورات زنده و از زنده اخلاقی و اجتماعی است که پدید -
آرنده مدینه فاضله و سازنده جامعه پاک و دور از هر گونه اخلاق نکوهیده ، میباشد . شماره آیه -
های این سوره با اتفاق مفسران ۱۸ تا است ولی در ضمن آیات این سوره کوتاه ، دستورهای جامع
و سودمندی برای تهذیب روح و روان وارد شده که اگر این قیود و روشهای اخلاقی در هر محیطی
عملی گردد ، محیطی آرام و مملو از لطف و صفا و دور از هر گونه رذیله اخلاقی بوجود خواهد آمد .
این سوره دورنمایی از جامعه پاک و بی آلاچی را در نظر ما ترسیم میکند که در آنجا زبان و
گوش افراد حتی اندیشه و خیال آنان (گمان بد) آزادی مطلق ندارند ، که هر چه بخواهند بگویند
و هر چه بخواهند بشنوند . و هر گونه خیالی را بخواهند درباره افراد انجام دهند . اینک بطور
اجمال فهرست مجموع دستوراتی را که در این سوره ، وارد شده ، میآوریم :

۱ - نخستین دستور خود را با طرح مسأله انضباط شدید در برابر خداوند و رسول او آغاز
میکند و منظور از این انضباط اینست که مسلمانان ، تشریح و تقنین را از آن خدا بدانند ، دستگاه
قانونگزاری را باز یچه میول و خواستههای خود ن سازند .

۲ - به افراد باایمان دستور میدهد که چگونه با پیشوای بزرگ خود سخن بگویند .

۳ - به افراد باایمان دستور میدهد که گواهی کسانی را که در میان آنها معروف به فسق
میباشدند و از گناه پروا ندارند ، قبول نکنند .

۴ - بر هر فرد مسلمانی لازم است که علیه هرستمگری قیام کند ، تا آن که حق مظلوم را
از ظالم بستاند .

۵ - بحکم این سوره همه مسلمانان برادرند ، و باید کوشش کنند که در میان آنها صلح و
صفا برقرار باشد .

۶ - هیچ فرد مسلمانی حق ندارد مسلمان دیگر را مسخره کند و یا همدیگر را با القاب

بد صدا بزنند .

۷ - بدگمانی در حق برادر مؤمن حرام است .

۸ - جاسوسی و دخالت در امور نهانی مردم اکیداً ممنوع میباشد .

۹ - بدگوئی پشت سر مسلمان از گناهان بزرگ است .

۱۰ - بالاخره در این سوره به مسأله تبعیضات نژادی خاتمه داده شده و ملاک برتری

و فضیلت تقوی و پرهیزکاری از گناه شمرده شده است ، پس از این ده دستور اخلاقی به یک سلسله مطالب دیگری پرداخته شده ، که تفسیر هر کدام طی شماره های خواص آمد . آیا با ملاحظه این دستورات برتری مکتب اخلاقی قرآن بر سایر مکتبهای اخلاقی جهان روشن و هویدا نمیکردد ؟

این سوره مدنی است نه مکی : سوره های مکی و مدنی را از دوراء میتوان شناخت .

۱ - روایات و احادیثی که محل نزول سوره را معین میکند . ۲ - غور و تدبر در مضامین

آیات سوره که میتواند غالباً سندگویا بر مکی و مدنی بودن سوره و آیه ها گردد . و از آنجا که

محیطهای مکه و مدینه دو محیط مختلف بودند ، بابدست آوردن افکار ملت هر محیط میتوان از طرز

مطالعه سوره محل نزول سوره ها و آیه ها را بدست آورد .

مثلاً محیط مکه ، مرکز شرک و بت پرستان بود ، یهود و نصاری در آنجا نفوذ نداشتند ، و افراد

با ایمان در آنجا در اقلیت بودند ، مسائل جهاد و مبارزه با قوه و نیرو در آنجا مطرح نبود ، و پیامبر

غالباً بابت پرستان سر و کار داشت . و نقطه اختلاف پیامبر با مشرکان در مسأله توحید و یگانگی

خدا و تجدید حیات و زندگی در روز ستاخیز بود .

بنابر این آیاتی که محور بحث در آنها مسأله مبدء و معاد و توجه دادن مردم بزندگانی

ملتهائی که بر اثر نافرمانی خدا و رسول او گرفتار خشم گردیده اند ، باشد ، قطعاً در مکه نازل شده

است ولی محیط مدینه ، محیط ایمان و تقوا ، مرکز نفوذ اهل کتاب و بالاخص طوائف یهود ،

زادگاه جوانان و قهرمانان دلاور اسلام و بالنتیجه محیطی بود که مسلمانان در آنجا مسائل اصولی

را پشت سر گذارده و نوبت آن رسیده بود که به یک سلسله وظائف عملی و دستورات اجتماعی و اخلاقی

(مانند نماز و روزه و زکاة و ..) متوجه شوند ، روی این لحاظ آیاتی درباره تورات و انجیل و عقائد

اهل کتاب ، و شرح وقایع نبردها و جنگهای مسلمانان با اهل کتاب و مشرکان نازل گردیده و یا

متضمن شیوه های اخلاقی و دستورات مذهبی از واجبات و مستحبات میباشد ، باید همگی مدنی و به

اصطلاح (۱) پس از مهاجرت پیامبر از مکه به مدینه نازل شده باشد ، زیرا در محیط مدینه سر و

(۱) آیاتی که در حجة الوداع در سرزمین مکه بر پیامبر نازل گردید ، از نظر اصطلاح مدنی

است گرچه در سرزمین مدینه نازل نگردیده است زیرا امیزان در مدنی بودن اینست که پس از مهاجرت

به مدینه نازل شده باشد و ما برای ملاحظه همین مطلب اصطلاح فوق را در بالا متذکر شدیم .

کار پیامبر با جوانان اوس و خزرج و طوائفی از اعراب که تدریجاً اسلام می‌آوردند بود، دیگر موقعیت ایجاب نمی‌کرد درباره نگوشت بتان داد سخن بدهد .

بنا بر هر دو طریق باید آیات این سوره را مدنی بدانیم، زیرا علاوه بر اینکه همه مفسران اتفاق دارند که این سوره مدنی است، و فقط از ابن عباس نقل شده که وی گفته سیزدهمین آیه این سوره درمکه نازل گردیده است، مضامین آیات گواه زنده بر مدنی بودن آن میباشد، زیرا محیط مکه مناسب با طرح چنین مسائل اخلاقی نبود، هنوز آنها در مسائل اساسی اسلام (مبده و مفاد) گیر و تو درید داشتند، و نبوت او را تصدیق نکرده و به رسالت جهانی او ایمان نیاورده بودند در چنین محیط هرگز موقعیت نداشت که پیامبر درباره مسائل اخلاقی مانند سوه ظن و غیبت سخن بگوید. از این گذشته طرف خطاب در این سوره مؤمنان است، و خداوند این سوره را با لفظ یا ایها الذین آمنوا آغاز نموده، و تا آخر سوره روی افراد با ایمان تکیه کرده است. اینها همه نشانه‌های قطعی مدنی بودن سوره میباشد.

انضباط شدید در برابر خدا و رسول او

منظور از این انضباط در برابر خدا و پیامبر او اینست که همه افراد باید احکام و قوانین و حقوق فردی و اجتماعی را از يك نقطه الهام بگیرند، و از يك سرچشمه زلال سیراب شوند، و از يك فکر که از همه فکرها برتر و بالاتر است پیروی نمایند.

خلاصه، شخص باید که دستگاه تفکر و تشریح را بگردش در آورد که يك انسان شناس کامل باشد و از تمام اسرار و رموز و ریزه کاریهای نهانی انسان و روحیات او آگاه و مطلع باشد و هیچ نقطه مبهم و رموزی در زندگی انسان بر او باقی نماند، از این گذشته از هر گونه گناه و لغزش مصون باشد، و هیچگونه منافعی در اجتماع نداشته باشد، تا منافع شخصی محور فکر او را متوجه نقطه ای کند که مصلحت شخصی او در آن نقطه است. و يك چنین شخص با این خصوصیات، پروردگار جهان است، زیرا اوست که از تمام اسرار و درون و برون ما آگاه است، اوست که از هر گونه لغزش و اشتباه مصون میباشد، و کوچکترین سودی در اجتماع ندارد.

اکنون اگر ما این انضباط شدید را از دست دادیم، و دستگاه قانون نگزاری را بدست خود گرفتیم، در این صورت در صحنه زندگی بسان ارتشی خواهیم بود که فرماندهی واحد نداشته باشد چنین ارتشی هر چند هم مجهز و آماده باشد، ولی از آنجا که فرماندهان مختلفی دارد، آنچنان دچار هرج و مرج میشود که در اندک زمانی زیر فشار قدرت دشمن نابود میگردد.

درست صحنه زندگی ما مانند جبهه جنگ است، و میباید خواسته هر فرد و یا هر طبقه و تپه، مانند مراکز فرماندهی است که این افراد و طبقات را در کشمکش عجیبی قرار میدهد و آنچنان دچار هرج و مرج میگردد که حقوق و عدالت از میان میرود. خداوند لزوم این انضباط شدید

رادراین سوره باین جمله بیان کرده است: **لا تقدموا بین یدی الله ورسوله**: یعنی در حوادث و وقایع بر خدا و رسول او پیشی نگیرید، سپس در آیة هفتم، روی عصمت و ثبات او از لغزش و اشتباه، تکیه کرده و میگوید: **واعلموا ان فیکم رسول الله لویطیعکم فی کثیر من الامر لعنتم** یعنی: از آنجا که پیامبر از جهان وحی الهام میگیرد، کوچکترین خطائی در قوانین او نخواهد بود؛ ولی اگر او از شما پیروی نماید، از آنجا که شما گرفتار میول و خواسته های شخصی هستید چه بسا دانسته و یاندانسته در ضرر می افتید، بنابراین ما در صورتی یک جامعه مؤمن و مسلمان واقعی خواهیم بود که جمله: **لا تقدموا بین یدی الله ورسوله** (۱) نصب العین مآ قرار گیرد.

نمونه دیگر از سبقت بر خدا

بسیاری از افراد با ایمان در اصل تشریح و قانون گذاری انضباط فوق را مراعات میکنند و بدون موافقت رای شارع، حکم نکرده نظر نمیدهند، ولی همین افراد، بامداخله دادن سلیقه های شخصی و محلی در عمل به احکام آسمانی، بر خدا و رسول او سبقت گرفته و دستور **لا تقدموا بین یدی الله ورسوله** را نادیده میگیرند، و گاهی روی خیالات نفسانی و یا تأثیر محیط، به افکار و سلیقه های شخصی که مخالف صریح دستور شرع است رنگ قدس و تقواداده، و آنرا بر فرمان آسمانی مقدم میدارند.

آفت ما مسلمانان بیشتر در اینگونه سبقت جوئی است، که حاضر نیستیم حق و حقیقت را از هر گونه پیرایه عاری ساخته و آنرا مورد عمل قرار دهیم، ما اکنون میتوانیم نمونه هایی از این نوع سبقت جوئی که روح آن مقدم شمردن سلیقه بر دستور شرع انور، و یا ترس از تفسیق و تکفیر گروهی میباشد بشماریم، ولی روی ملاحظاتی دو نمونه از این اعمال سلیقه ها که در صدر اسلام اتفاق افتاده، بیان مینمایم و مثالهای مناسب عصر را به خود خوانندگان واگذار میکنیم.

۱ - در رمضان یکی از سالهای هجرت پیامبر با عده ای از اصحاب خود بسوی مکه حرکت کرد وقتی به «**کراع الغمیم**» رسید طرف آبی خواست و روزه خود را میان دو نماز ظهر و عصر شکست و دستور داد که دیگران نیز افطار کنند، زیرا خداوند دستور روزه بر غیر مسافر قرار داده است، ولی دسته ای مقدس نما تصور کردند که اگر با حالت روزه مسافرت کنند، اجر بیشتری خواهند داشت، خیال نفسانی خود را بر دستور پیامبر مقدم داشته بهمان حالت روزه باقی ماندند، و پیامبر نام این دسته را، جمعیت گناهکار نامید (۲)

(۱) لفظ «قدم» اگر بالظلمع والی استعمال شود معنای متعدی خواهد داشت و در غیر این -

صورت مانند آیه لازم خواهد بود، و ترجمه آیه اینست که بر خدا و رسول او تقدم و سبقت مگیرید.

(۲) و سماه رسول الله عصاة، کتاب صوم و مسائل الشیعه ص ۱۲۵ طبع جدید.

بزرگترین آفت برای این ملت همین بود که در این لحظه که بسوی جهاد فی سبیل الله میروند ، از یک نقطه الهام نگیرند و هر دسته ای از یک فرماندهی خاصی پیروی کند .

۲ - در دوران عرب جاهلیت ازدواج با همسر پسر خوانده پس از طلاق برای انسان حرام بود ، خداوند برای کوییدن این سنت غلط دستور داد که پیامبر عملاً این سدا بشکند ، و با زینب مطلحه پسر خوانده خود « زینب » ازدواج نماید ، پیامبر با زینب ازدواج کرد ، برخی از افراد با ایمان با اینکه میدانستند افعال و اقوال پیامبر بی ملامت نیست و او در تمام این قسمتها از جهان وحی الهام میگیرد ، شروع به انتقاد کرده در گوشه و کنار ، ازدواج پیامبر را ، ازدواج غیر قانونی مبشردند انگیزه آنها برای انتقاد ، همان افکار محلی و سلیقههای شخصی موروثی بود ، که ازدواج با همسر پسر خوانده را یک عمل نامشروع جلوه میداد ، قرآن در تخطئه و کوییدن اینگونه انتقادات ناجا که حاکی از عدم ایمان به حقیقت نبوت و شرع انور است ، در سوره احزاب آیاتی (۱) دارد که بنقل و ترجمه یکی از آنها اکتفاء میکنیم : **و ما كان لمؤمن ولا مؤمنة اذا قضی الله ورسوله امراً ان یکون لهن الخیرة من امرهم ومن یعص الله ورسوله فقد ضلّ ضلالاً مبیناً** (احزاب آیه ۳۶) یعنی هنگامیکه خدا و رسول او بر مطلبی دستور داد ، برای مردان و زنان با ایمان جای اعتراض و اختیار نیست ، هر کس خدا و رسول او را نافرمانی کند آشکارا گمراه شده است . مرحوم طبرسی میفرماید منظور از جمله **لا تقدموا ...** یک معنای وسیعی است که میرساند افراد با ایمان باید در هیچکاری و مطلبی بر خدا و پیامبر او سبقت نگیرند ، و آنچه ما آنرا تشریح کردیم ، در حقیقت مصداقی از این معنای وسیع بود .

(۱) سوره احزاب به آیه های ۴ و ۵ و ۳۶ و ۴۰ مراجعه فرمائید .

(بقیه از صفحه ۵) است گرچه حفظ و نگاهداری این جمعیت عظیم و تأمین نیازمندیهای آن در حال حاضر کار بسیار دشواری است ، ولی هر چه هست سرچشمه ترقیات فراوانی در زمینه های مختلف شده است (البته کار به طرز تفکر و عقائد آنها نداریم) .

در مورد هندوستان که دومین کشور پر جمعیت دنیاست متأسفانه از وجود جمعیت انبوه درست استفاده نشده زیر اوضاع خاص کشور هند که از نژادها و مذاهب و دسته های فوق العاده مختلف و پراکنده با زبانها و فرهنگها و رسوم گوناگون تشکیل یافته امکان هر گونه همکاری نزدیکرا میان آنها از بین برده است ، و الا این کشور با آن جمعیت عظیم میتواند نقش بسیار مؤثرتری در داخل و در وضع دنیا داشته باشد .

* * *

بهر حال پر ارزش ترین و مؤثرترین منابع حیاتی و امید بخش یک مملکت همان ذخائر انسانی آنست که یکی از سرچشمه های اصلی هر گونه موفقیت و پیروزی محسوب میشود ، و از این بیان بخوبی نتیجه میگیریم که مبارزه با افزایش جمعیت کشور ما که از ناحیه جمعی افراد بی اطلاع صورت میگیرد مبارزه با عظمت کشور ماست .

و نیز از اینجا به عظمت و عمق دستورهای اسلام و گفتار پیر ارج رهبر عالیقدر آن ، که در آغاز مقاله به آن اشاره شد ، پی خواهیم برد .